

«داغ ننگ، انگ»

دکتر مریم رسولیان، روان‌پزشک (۱۳۹۵/۵/۱۸)

[برگرفته از فصلنامه توان‌یاب، تابستان ۱۳۹۵]

وقتی فردی به دلیل تفاوتی که با دیگران دارد، شناخته و نام‌گذاری شود، موضوع انگ یا داغ ننگ مطرح است. این تفاوت به عنوان یک ارزش منفی توسط خود فرد و جامعه شناخته می‌شود. به عنوان مثال: معلولیت، قومیت ویژه، ملیت خاص، ویژگی‌های فیزیکی مثل چاقی، رنگ پوست و یا بیماری‌های روانی؛ همه و همه مواردی هستند که همراه با داغ ننگ یا انگ (stigma) هستند و فردی که به دلیل این ویژگی نام‌گذاری شده است، مجموعه‌ای از صفات منفی به او نسبت داده می‌شود؛ مانند ناتوانی، نادانی، کندذهنی، حساست، نامهربان بودن، منفعت‌طلبی و ... این مجموعه صفات منفی نه تنها توسط جامعه پذیرفته شده بلکه توسط خود فرد هم پذیرفته شده است. پذیرش این صفات توسط فرد او را در موقعیتی قرار می‌دهد که قادر به بروز استعدادها و خود نبوده و بندهای مرئی و نامرئی انگ بر دست و پای او پیچیده و او را از رشد و پیشرفت باز می‌دارد. در موقعیت‌های دشوار این باور مخرب درونی که «من نمی‌توانم» در ذهنش تقویت شده و از تلاش و پیدا کردن راه حل و حل مشکل باز می‌ماند.

در تمامی فرهنگ‌ها انگ یا داغ‌نگ یک موضوع جدی است و تأثیر زیان‌باری بر تمامی حوزه‌های زندگی فرد دارد. انگ یک پدیده اجتماعی قدرتمند، فراگیر و پایدار است و فشار مضاعفی به گروه‌های آسیب‌پذیر وارد می‌کند.

عواملی که انگ‌زدن را تقویت می‌کند عبارت است از: ناآگاهی عمومی و وجود باورهای غلط نسبت به موضوع، ضعف قوانین و سیستم‌های ارائه دهنده خدمات، تأثیر رسانه‌ها بر تقویت این عوامل و تأیید رسانه‌ها نسبت به این عوامل. وقتی اطلاعات عمومی نسبت به موضوعی کم باشد، زمینه‌ساز رشد باورهای نادرست و یا خرافات نسبت به آن موضوع می‌شود؛ مثلاً دلیل معلولیت گناه والدین است و یا افسردگی دلیل ضعیف بودن افراد است و یا کسانی که بیماری روان‌پزشکی دارند، دچار ضعف نفس یا مشکل اخلاقی هستند و ...

ضعف قوانین و سیستم‌های ارائه دهنده خدمات در موارد بسیاری سبب تقویت انگ‌ها می‌شود. فردی که در کنترل خشم خود مشکل دارد، در موقعیتی قرار می‌گیرد که حش پایمال می‌شود

(ضعف قوانین) و به نیاز واقعیش پاسخی داده نمی‌شود و یا با خشونت با او رفتار می‌شود (خدمت درست ارائه نشده). این شرایط سبب بروز خشم در او شده و این موقعیت برچسب پرخاشگری را برای او تقویت می‌کند. در شرایطی که انگ وجود دارد، فقط رفتار فردی که به او انگ خورده مورد توجه قرار می‌گیرد و شرایط زمینه‌ای و یا نقش سایرین از نظرها دور می‌ماند. نقش رسانه‌ها در این شرایط به صورت ناخودآگاه تقویت کلیشه‌ها یا باورهای جامعه است، که این کار از طریق پرداختن طنزگونه به این کلیشه‌ها یا تکرار این کلیشه‌ها در ادبیات مختلف تثبیت می‌شود.

دیدن و دیده‌شدن دو وجه «توانایی‌ها» و یا «ناتوانایی‌ها»ی افراد، موضوعی است که ارتباطی به معلولیت ندارد اما در افراد مبتلا به معلولیت و یا گروه‌های آسیب‌پذیر این موضوع بارزتر و چشم‌گیرتر است. تعامل و معاشرت با افراد مختلف به لحاظ ویژگی‌های ظاهری، زبان، قومیت و ملیت، پذیرش تفاوت را در جامعه افزایش داده و سبب رشد مهربانی و عطف بین گروه‌های مختلف در جامعه خواهد شد. توجه به موضوع انگ، باورهای زمینه‌ای نسبت به معلولیت و نقش آن در زندگی افراد دارای معلولیت، سبب کاهش انگ‌زنی و زمینه‌ساز رشد و بالندگی جامعه خواهد شد.